

## واکاوی ویژگی‌های جمعیت‌شناختی طلاق در استان ایلام<sup>۱</sup>

زهرا رضایی‌نسب\*

سردار فتوحی\*\*

### چکیده

هدف این پژوهش بررسی وضعیت کمی و دموگرافیک طلاق در استان ایلام طی روندی ۵ ساله از سال ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۶ است. روش پژوهش کمی و طرح تحقیق توصیفی است که مبتنی بر داده‌های سرشماری و مطالعه آماری اسناد موجود در سازمان ثبت احوال استان ایلام است. طی سال‌های ذکر شده، در مجموع، ۳۶۲۴ واقعه طلاق در استان ایلام ثبت شده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که میزان طلاق طی این سال‌ها روندی افزایشی داشته است، به طوری که از ۱۷ درصد در سال ۱۳۹۲ به ۲۴ درصد در سال ۱۳۹۶ رسیده است. سایر نتایج نیز بدین شرح بوده است: فراوانی تعداد طلاق‌های ثبت شده در نقاط شهری نسبت به نقاط روستایی؛ فراوانی تعداد طلاق‌ها در شهرستان ایلام نسبت به سایر شهرستان‌ها؛ فراوانی تعداد طلاق‌ها در سطح تحصیلی دیپلم و در گروه‌های سنی ۲۵-۲۹ ساله و ۲۰-۲۴ ساله؛ و فراوانی تعداد طلاق‌ها در ۶ سال اول زندگی. همچنین از لحاظ اختلاف سنی نیز بیش‌ترین تعداد طلاق‌های ثبت شده مربوط به مواردی بوده که در آن‌ها مرد ۵ تا ۱۰ سال بزرگ‌تر از زن بوده است.

**کلیدواژه‌ها:** طلاق، استان ایلام، نقاط شهری، اختلاف سنی، سطح تحصیلات.

\* استادیار گروه علوم اجتماعی، دانشگاه ایلام (نویسنده مسئول)، zrezaei9@gmail.com

\*\* دکترای سیاست‌گذاری فرهنگی، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، fotohi.67@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۵/۰۷، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۳/۲۴



## ۱. مقدمه

خانواده عامل هم‌بستگی و شرط تعادل اجتماعی و رکن اصلی جامعه است که در هر عصری و نسلی عملکرد دارد و معمولاً این عملکرد در الگوهای تعاملاتی اعضایش تجلی می‌یابد. وقتی کارکردهای خانواده از قبیل کارکردهای زیستی، اجتماعی، شناختی، و عاطفی یکی پس از دیگری آسیب می‌بینند، اعضای آن به تدریج احساس رضایت‌مندی خود را از دست می‌دهند. کاهش تدریجی رضایت‌مندی اعضای خانواده ابتدا موجب گسستگی روانی و سپس گسستگی اجتماعی و در نهایت، واقعه حقوقی می‌شود که این گسستگی طلاق نامیده می‌شود. در واقع، دو رویکرد به طلاق وجود دارد؛ در یک رویکرد تلقی مثبت نسبت به آن وجود دارد و آن را نوعی رهایی از یک وضعیت نامطلوب تلقی می‌کنند (Amato 2015)، لذا در این رویکرد طلاق رهایی‌بخش و با آزادی همراه است. اما رویکرد دیگر تلقی منفی از آن را در نظر دارد. در این دیدگاه، طلاق نه تنها رهایی از وضعیت نامطلوب نیست، بلکه سقوط به یک وضع نامطلوب دیگر است (نوابی‌نژاد و دیگران ۱۳۹۶؛ حفاریان و دیگران ۱۳۹۰). در رویکرد اول، بیش‌تر تمرکز بر خود زوج‌های طلاق گرفته است، ولی رویکرد دوم بیش‌تر پی‌آمد طلاق برای فرزندان را در نظر دارد. در رویکرد دوم، طلاق نوعی آسیب اجتماعی است که باعث هدر رفتن بسیاری از سرمایه‌های انسانی می‌شود. طلاق از جمله عوامل گسیختگی و ازهم‌پاشیدگی کانون خانواده است که عواقب بسیاری برای افراد جامعه دارد و می‌تواند منشأ بسیاری از آسیب‌های اجتماعی مانند انحرافات جنسی، خودکشی، فرار از منزل، سرقت، اعتیاد، تکدی‌گری، ولگردی، و ... شود (رحمت‌اللهی ۱۳۸۵، به نقل از مشکی و دیگران ۱۳۹۰: ۳۸). لذا در جامعه‌ای که طلاق بیش‌تر باشد، آسیب‌های اجتماعی نیز افزایش می‌یابد. در واقع، این پژوهش بر رویکرد دوم تمرکز می‌یابد:

اولاً مطابق آمارها و پژوهش‌های داخلی، زندگی پس از طلاق غالباً نامطلوب بوده و رهایی‌بخش نبوده است (نوابی‌نژاد و دیگران ۱۳۹۶؛ حفاریان و دیگران ۱۳۹۰). ثانیاً پی‌آمد طلاق در ایران بسیار ناگوارتر از کشورهای توسعه‌یافته‌ای است که نگرش مثبت به طلاق دارند. در ایران، زنان غالباً شاغل نیستند و منبع درآمدی ندارند و زندگی پس از طلاق برای زنان بیش‌ازپیش آنان را به انحراف نزدیک می‌کند (حیاتی و سلیمانی ۱۳۹۷) و هم‌چنین سازمان‌های قوی برای حمایت از کودکان طلاق وجود ندارد و طلاق آنان را در دام انواع آسیب‌ها می‌اندازد.

تحقیقات در سطح جهانی نشان می‌دهد که میزان طلاق در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ به سرعت افزایش یافت، ولی امروزه تا حدودی نرخ آن در کشورهای توسعه‌یافته تقریباً ثابت است یا در برخی از این کشورها، با روند افزایشی ناچیزی همراه است (باتریکا و اسمیت ۲۰۱۲: ۱۱)، ولی در جامعه ما همواره طلاق به شدت روبه‌افزایش است، به طوری که نرخ طلاق از حدود ۱۰ درصد در سال ۱۳۸۳ به ۲۳ درصد در سال ۱۳۹۴ رسیده است. آمار و ارقام نشان‌دهنده این است که ایران چهارمین کشور پُرطلاق دنیا محسوب می‌شود (نیکبخت نصرآبادی و دیگران ۱۳۹۵). براساس آمار سازمان ثبت احوال کشور، در سال ۱۳۸۵، ۹۴۰۳۹ واقعه طلاق ثبت شده است. این آمار در سال ۱۳۹۰، افزایش چشم‌گیری داشته است و به ۱۴۲۸۴۱ واقعه رسیده است. در سال ۱۳۹۲ هم‌چنان این افزایش سیر صعودی داشته و تعداد طلاق به ۱۵۵۳۶۹ واقعه رسیده است. براساس آمار ثبت احوال کشور، تعداد طلاق در سال ۱۳۹۳، در کل کشور ۱۶۳۵۶۹ مورد بوده است؛ به عبارتی، برطبق گزارش‌ها و تحقیقات، در سال ۱۳۹۲ به ازای هر پنج مورد ازدواج، یک مورد طلاق به ثبت رسیده و در سال ۱۳۹۳ به ازای هر ۴/۴ مورد ازدواج در کشور، یک مورد طلاق به ثبت رسیده است (زارعان و سدیدیپور ۱۳۹۶؛ نوابی‌نژاد و دیگران ۱۳۹۶). طبق گزارش‌های آماری، بیش‌ترین توزیع سنی زوجین در زمان طلاق در سال ۱۳۹۳ مربوط به سنین ۲۰-۲۴ سال در زوج و ۲۵-۲۹ سال در زوج است. توجه به طول مدت زندگی نیز نشان می‌دهد که آمار بالای طلاق مربوط به چند سال اول زندگی است و هرچه از سال‌های اولیه ازدواج بگذرد، آمار طلاق پایین‌تر می‌آید، به طوری که در سال ۱۳۹۳ بیش‌ترین آمار طلاق، یعنی ۲۲۸۶۰ مورد، مربوط به ازدواج‌هایی با طول مدت کم‌تر از یک سال است. این رقم در ازدواج‌های با طول مدت ۵-۶ سال به ۹۰۲۸ مورد تقلیل می‌یابد. هم‌چنین نرخ آمار طلاق در نقاط شهری و روستایی روندی متفاوت دارد، به طوری که نرخ طلاق در نقاط شهری بیش‌تر از نقاط روستایی (سایت رسمی سازمان ثبت احوال کشور ۱۳۹۸).

طی سال‌های اخیر، با گسترش آسیب‌های اجتماعی، طلاق در بسیاری از استان‌های کشور رشد چشم‌گیری داشته است؛ مثلاً بالاترین رقم در تهران ۳۲۹۷۶ بوده است که از هر ۲/۸ ازدواج، یک ازدواج به طلاق ختم می‌شود. براساس گزارش خبرگزاری‌ها، استان ایلام بیش‌ترین رشد طلاق را در سال‌های اخیر نسبت به دیگر استان‌ها دارد (سایت رسمی خبرگزاری مهر ۱۳۹۸)، یعنی از لحاظ روند افزایشی طلاق، از سایر استان‌ها پیشی گرفته است. میزان دوام زندگی مشترک در چند سال اخیر در استان ایلام، کم‌تر از متوسط کشوری است. در سال ۱۳۹۱ به‌طور متوسط، طول مدت زندگی مشترک در کشور ۷/۶ سال بوده که

استان ایلام با میانگین ۵/۳، کم‌ترین طول مدت دوام زندگی تا واقعه طلاق را در بین استان‌های کشور داشته است و بر همین اساس، استان ایلام بالاترین درصد طلاق با یک تا چهار سال زندگی مشترک را نیز دارد (پیری ۱۳۹۶). این درحالی است که به نظر می‌رسد این واقعه در نزد غالب خانواده‌ها (و میانگین کشوری) ننگ اجتماعی محسوب می‌شود (سپیدنامه و قیصریان ۱۳۹۳). حال به‌طور کلی مسئله این است که چگونه در استان ایلام که تلقی منفی و نوعی ننگ اجتماعی نسبت به طلاق وجود دارد، میزان رشد طلاق بر سایر استان‌ها پیشی گرفته است؟ بر همین مبنا، این پژوهش به بررسی وضعیت جمعیت‌شناختی طلاق در استان ایلام می‌پردازد.

باتوجه به آنچه ذکر شد، طلاق دروازه‌ای برای ورود به دیگر انحرافات بوده است؛ به این معنا که پی‌آمدهای منفی فراوانی از قبیل خطر آسیب‌های روانی، میزان تصادف‌های اتومبیل منجر به مرگ، بیماری جسمی، خودکشی، خشونت، انزوا، و عملکرد تحصیلی ضعیف برای فرزندان دارد. طلاق سلامت روانی و فیزیکی زنان، مردان و فرزندان آنان را تحت تأثیر قرار می‌دهد (صادقی و دیگران ۱۳۹۰؛ نوایی‌نژاد و دیگران ۱۳۹۶؛ حفاریان و دیگران ۱۳۹۰). به همین علت، نظریه‌ها و پژوهش‌های بسیاری به آن پرداخته‌اند؛ برخی به عوامل و زمینه‌های طلاق پرداخته و برخی به طرح تأثیرات طلاق بر جامعه، خانواده، زوجین، و فرزندان پرداخته‌اند؛ عده‌ای نیز به تأثیرات روانی طلاق بر زوجین یا فرزندان پرداخته‌اند (رحیمی ۱۳۸۰؛ هنریان و یونسی ۱۳۹۰؛ نعیمی ۱۳۹۰). هم‌چنین این پژوهش‌ها مبتنی بر نمونه‌گیری هستند که همیشه با درصدی خطا همراه است. این پژوهش از این جهت حائز اهمیت است که به بررسی ویژگی جمعیت‌شناختی طلاق در استان ایلام می‌پردازد که تاکنون مورد توجه واقع نشده است و اگر به آن پرداخته شده، در حواشی پژوهش‌ها و مبتنی بر نمونه‌های انتخاب‌شده بوده است. این پژوهش تمامی جامعه مورد مطالعه را بررسی و درباره آن کنکاش می‌کند.

## ۲. چهارچوب نظری تحقیق

وضعیت خانواده، چگونگی روابط بین اعضای خانواده، و انحلال و فروپاشی آن از یک‌سو بازتاب شرایط اجتماعی، فرهنگی، و اقتصادی است و از سوی دیگر، معلول عوامل درونی خانواده (سطح خرد) و کیفیت و چگونگی آن است. به دلیل خصلت چندبعدی پدیده طلاق و تکثر نظریه‌ها و رویکردهای متعدد تبیین‌کننده، چهارچوب نظری انتخابی این نوشتار رویکردی جامعه‌شناختی دارد و چند نظریه برای تبیین مسئله طلاق مطرح می‌گردد.

**نظریه تضاد ارزش‌ها:** برطبق این نظریه، در جوامعی که در حال انتقال از وضع اجتماعی و اقتصادی خاص به وضع و شرایط دیگری هستند، مشکلاتی پدید می‌آید که نتیجه تضاد نوگرایی و پابندی به سنت‌های دیرین و تشدید تخاصم بین نسل‌هاست. در این مرحله برزخی و حساس، عناصر اخلاقی و ارزش‌های اجتماعی بیش از هر چیز دیگر تغییر وضع و موضع می‌دهد. بسیاری از موضوعات بی‌ارزش دیروز در محدوده عناصر نوین و مقبول امروزی پای می‌نهند و بسیاری از عناصر مطلوب اجتماعی از قلمرو ارزش‌های اجتماعی خارج می‌شوند. هرچه قدر این تحول سریع‌تر باشد، تضاد و جابه‌جایی ارزش‌ها چشم‌گیرتر خواهد بود. بازتاب این وضعیت را می‌توان در نظام ارزش‌های خانواده مشاهده کرد، ولی از آن‌جاکه سرعت حرکت هر فرهنگ با حرکت اقتصادی و نوآوری‌های تکنولوژی یک‌سان نیست، نسل‌هایی که در معرض چنین تحولات سریع اجتماعی قرار می‌گیرند نمی‌توانند معیارهای همه‌پسندی برای وظیفه، فداکاری، و ارزش‌های همانند آن داشته باشند. در این احوال، کشمکش درون خانواده ایجاد می‌شود و نابه‌سامانی خانواده و طلاق افزایش می‌یابد (مساواتی ۱۳۷۴: ۲۸۱). زیمل باتوجه‌به رویکرد تضاد ارزش‌ها، معتقد است عدم‌تجانس و ناهم‌گونی شهرها به‌دلیل مهاجران با ریشه‌های قومی و فرهنگی و نژادی مختلف و با سطح زندگی متفاوت موجب بروز ناهماهنگی و تضاد در درون شهرها می‌شود و زندگی شهری را در عین تنوع، دشوارتر می‌سازد و تسامح بیشتری را طلب می‌کند. در چنین وضعیتی، انومی یا بی‌هنجاری در ریشه‌ها توسعه می‌یابد و به تضعیف انسجام مکانیکی و رشد زندگی مصنوعی و غیرشخصی کمک می‌کند (توسلی ۱۳۸۱: ۱۸۸). در این زمینه، اودری (Udry 1971) کاهش پابندی به ارزش‌های مذهبی و دینی را در افزایش طلاق مؤثر می‌داند و به نقش دین به‌عنوان عاملی برای جلوگیری از طلاق اشاره می‌کند. به‌نظر او، افرادی که اعتقاد مذهبی دارند کم‌تر به طلاق روی می‌آورند تا آنان که چنین اعتقادی ندارند. با تضعیف ایمان و نبود پابندی‌های مذهبی در اکثریت افراد و تغییر ارزش‌ها، میزان طلاق در جامعه افزایش می‌یابد (اودری ۱۹۷۱، به‌نقل از اسحاقی و دیگران ۱۳۹۱: ۱۱۴).

**نظریه هم‌سان‌همسری:** طبق این نظریه، هم‌سانی میان دو فرد نه‌تنها آن‌ها را به‌سوی یک‌دیگر جذب می‌کند، بلکه پیوند و وصلت ایشان را استوار می‌سازد. به‌سخن‌دیگر، ناهم‌سانی میان دو همسر سرچشمه کشمکش‌های خانوادگی است. به‌نظر هیل (Hill)، افراد مایلند همسری برگزینند که بیش‌تر هم‌سانشان باشد تا ناهم‌سانشان و چنان‌چه این قاعده به‌دلایلی رعایت نگردد، احتمالاً زوجین دچار ناسازگاری و درنهایت، جدایی می‌شوند.

باورمن (Bowerman) معتقد است که انسان دانسته یا ندانسته در پی گزینش همسری است که صفاتی هم‌گون با او داشته باشد. افراد در تمامی سنین در میدانی فراخ‌تر از آن که تصادف بتواند بر آن کارگر باشد، با کسانی وصلت می‌کنند که از نظر موقعیت زناشویی همانند خودشان باشد. به‌گمان لاک و برگس (Lock and Burgess)، بخت هر فرد بیش‌تر در جهت ازدواجی هم‌سان‌گزینانه عمل می‌کند تا ناهم‌سان‌گزین (ساروخانی ۱۳۸۹: ۶۵-۶۶).  
**گیدنز:** در نظر گیدنز، ویژگی‌های جمعیت‌شناختی هم‌عامل تمایز و هم‌عامل پیوند می‌شوند. متغیرهای جمعیت‌شناختی جهانی هستند که در نوع پوشش، اوقات فراغت، نگرش به زندگی، پایبندی به زندگی مشترک، مصرف فرهنگی، و ... متبلور شده است. در عین حال، ابزاری است که نه تنها نیازهای افراد و گروه‌ها را دسته‌بندی می‌کند، بلکه روایت‌گر خاصی از هویت فرد است و بیان‌گر فرایند تحقق خویشتن در جوامع پسااستی است. وی نگرش به طلاق را نیز بخشی از فرایند بازاندیشی زندگی مدرن و به‌عنوان بخش کوچکی از جامعه، نه بخش مجزایی از آن، تعریف می‌کند. این به‌معنای تأثیرپذیری خانواده از تحولات مدرنیته است (گیدنز ۱۳۹۳: ۱۱۹). از این منظر، سبک زندگی به‌مثابه پدیده‌ای هویت‌بخش و تمایزگذار برحسب شانس‌های زندگی چون ثروت، سن، و جنسیت در نوع نگرش و گرایش به طلاق اثرگذار است.

**ویلیام گود:** اثر تحصیلات بر طلاق اشتقاقی از تئوری ویلیام گود است. از نظر وی، نقش دوگانه تحصیلات به‌عنوان یکی از مؤثرترین عوامل ثبات و انحلال ازدواج در طول زمان بررسی شده است. بلاسفلد و دیگران (Blossfeld et al. 1995) و هوم (Home 1997) استدلال کرده‌اند که طلاق انحراف و کج‌روی از هنجارهای اجتماعی در جوامعی است که وقوع طلاق در آن‌جا نادر است، بنابراین، هزینه‌های اجتماعی طلاق در چنین جوامعی بیش‌تر است. بلاسفلد استنباط می‌کند در این شرایط، تحصیلات می‌تواند یک اثر رهایی‌بخش از فشارهای هنجاری باشد. بنابراین، زنان دارای تحصیلات بیش‌تر کم‌تر سستی هستند و تمایل بیش‌تری دارند که یک ازدواج ناشاد را پایان بخشند، حتی اگر انجام‌دادن چنین کاری تجاوز و هتک حرمت به هنجارهای اجتماعی باشد (هاشمی ۱۳۹۳: ۹۴؛ Martin and Parashar 2008؛ Lehrer 2014). بااین‌حال، زمانی که طلاق به تدریج عمومیت می‌یابد و برای همگان دست‌رس‌پذیر می‌شود، شیب مثبت تحصیلات با طلاق ممکن است تغییر کند و معکوس شود. مثلاً پژوهش‌های هیرومی اونو (Hiromi Ono 2000) و کریمی و دیگران (۱۳۸۹) به این نتیجه می‌رسد که تحصیلات بالا مهارت‌های اجتماعی، فرهنگی، و شناختی زنان را افزایش می‌دهد و آن‌ها را قادر می‌کند که همسر بهتری انتخاب کنند و از

مهارت‌های اجتماعی برای حل تضادها در روابطشان استفاده کنند و بنابراین، ازدواجشان از ثبات بیش‌تری برخوردار خواهد شد و احتمال طلاق کاهش خواهد یافت.

طرح مفهوم «فضای اجتماعی (social field)» در نزد بوردیو (Bourdieu) به فهم عمیق‌تر از متغیرهای جمعیت‌شناختی کمک شایان‌توجهی می‌کند. عاملان و گروه‌ها در فضای اجتماعی براساس حجم و میزان سرمایه اقتصادی و فرهنگی، با برخی اجزا اشتراکاتی می‌یابند و با برخی دیگر فاصله پیدا می‌کنند. در واقع، به‌ازای هر سطحی از موقعیت‌ها، سطحی از سبک‌های زندگی و ذائقه‌ها (از جمله نگرش به طلاق) وجود دارد که بر اثر شرایط اجتماعی متناسب با آن‌ها (از جمله متغیرهای جمعیت‌شناختی) به‌وجود می‌آید (بوردیو ۱۳۹۰: ۱۳۵). بوردیو ذائقه را عملکردی می‌داند که به فرد و نیز دیگران ادراکی از جایگاه آن‌ها در نظم اجتماعی می‌دهد، در واقع، ذائقه نوعی نگرش و تلقی افراد است که مبنای «منش» (taste) آنان قرار می‌گیرد. ذائقه رجحان‌های افرادی را که رجحان‌های مشابه دارند با هم متحد می‌سازد و آن‌ها را از افرادی که ذائقه‌های مشابه دارند، متمایز می‌نماید؛ به این معنا که انسان‌ها در خلال این فرایند، خودشان را هم طبقه‌بندی می‌کنند (ریتزر و گودمن ۱۳۹۴: ۵۹۸). مثلاً ذائقه جوان روستایی با جوان شهری متفاوت است و هرکدام طرز تلقی خاصی از ازدواج و طلاق دارند. این طرز تلقی (ذائقه) به‌نوعی، طلاق را ممکن یا ناممکن می‌کند و به‌عبارت‌دیگر، بیان‌گر منش آنان در قبال طلاق است. منش ساختارهای روانی یا شناختی هستند که انسان به‌واسطه آن‌ها با جهان اجتماعی روبه‌رو می‌شوند. انسان‌ها از طرح‌های درونی‌شده‌ای برخوردارند که از طریق آن‌ها به ادراک، فهم، و ارزیابی جهان اجتماعی می‌پردازند. از طریق چنین طرح‌هایی است که افراد عملکردهایشان را ایجاد و آن‌ها را درک و ارزیابی می‌کنند (ریتزر ۱۳۹۲: ۲۸۱).

به‌طور کلی، می‌توان از نظریه‌های مختلف استخراج کرد که هیچ‌کدام از رویکردهای مختلف در پی تردید در متغیرهای جمعیت‌شناختی و نسبت آن با طلاق نیستند، بلکه اختلاف این رویکردها به نقش متغیرهای جمعیت‌شناختی است. رویکردهای تضاد ارزشی و نظریه ویلیام گود به نقش بیرونی متغیرهای جمعیت‌شناختی قائل‌اند که به‌عنوان متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته (طلاق) تأثیرگذارند، ولی رویکردهای بوردیو و گیدنز به متغیرهای جمعیت‌شناختی نه به‌عنوان متغیرهای مستقل، بلکه به‌عنوان بستر و موقعیت برای امکان‌پذیری طلاق، اشاره دارند که این بسترها و موقعیت‌ها نوعی تصمیم جداگانه برای زوجین (در مواجهه با اختلاف زناشویی) به‌هم‌راه دارد، لذا مطابق با نظریه گیدنز و بوردیو،

طلاق در گروه‌های سنی، تحصیلی، شغلی، و ... متفاوت است و این پژوهش مبتنی بر این رویکرد در پی شناسایی نسبت گروه‌های مختلف جمعیت‌شناختی با طلاق است.

### ۳. پیشینه تجربی تحقیق

مهم‌ترین تحقیقات صورت‌گرفته داخلی و خارجی مرتبط با موضوع تحقیق (تأکید بر متغیرهای جمعیت‌شناختی طلاق) در جدول ذیل خلاصه شده است.

جدول ۱. خلاصه پیشینه‌های تجربی پژوهش

| پژوهش‌گر            | سال  | عنوان تحقیق   | نتایج   |
|---------------------|------|---|---|
| رحیمی               | ۱۳۸۰ | بررسی علل طلاق در استان خراسان  | نداشتن تفاهم اخلاقی، عدم تمکین، مشکلات مالی و اقتصادی، اعتیاد، مداخله دیگران، اختلاف سنی و تحصیلی   |
| فاتحی‌زاده و دیگران | ۱۳۸۳ | بررسی تأثیر عوامل خانوادگی در پایین‌بودن آمار طلاق در شهرهای یزد                | نقش مؤثر عوامل خانوادگی مانند اعتقادات مذهبی، مداخله بزرگان فامیل، وابستگی زن به شوهر، الگوپذیری دختر از مادر، عدم حمایت خانواده از طلاق، حمایت اقتصادی والدین در کاهش طلاق   |
| بیگوند و بخشی       | ۱۳۸۴ | نگرش جمعیت ۱۸-۶۵ ساله ساکن شهر مشهد به طلاق و عوامل اجتماعی - فرهنگی مؤثر بر آن | رابطه مثبت با نگرش به طلاق: تحصیلات دانشگاهی، تضاد و کشمکش در خانواده، تماس با فرهنگ و جامعه غربی، افزایش انتظارات ازدواج و زناشویی<br>رابطه منفی با نگرش به طلاق: افزایش پابندی به مذهب و سنت، پیوند با خویشان، منزلت و طبقه اجتماعی |
| ریاحی و دیگران      | ۱۳۸۶ | تحلیل جامعه‌شناختی میزان گرایش به طلاق در کرمانشاه                              | تأثیر متغیرهای دخالت دیگران، میزان برآورده‌شدن انتظارات همسران، تفاوت سنی - تحصیلی و عقاید همسران   |
| زرگر و نشاط‌دوست    | ۱۳۸۶ | بررسی عوامل مؤثر بر بروز طلاق در فلاورجان                                       | بالابودن تقاضای طلاق در زنان در سنین ۲۸-۳۱ سال و در مردان ۲۴-۲۹ سال   |
| کریمی و همکاران     | ۱۳۸۹ | مقایسه ویژگی‌های جمعیت‌شناختی زوجین در معرض طلاق و زوجین عادی سیرجان            | عوامل کاهش‌ی طلاق: ازدواج فامیلی، وجود فرزند، درآمد خوب، تحصیلات بالاتر، شغل  |
| غیاثی و دیگران      | ۱۳۸۹ | بررسی علل گرایش به طلاق در بین زنان مراجعه‌کننده به دادگاه خانواده شیراز        | رابطه معکوس و معنادار طلاق با متغیرهای اختلاف تحصیلی، سنی، مدت زندگی مشترک، تعداد فرزندان   |



| پژوهش‌گر            | سال  | عنوان تحقیق  | نتایج  |
|---------------------|------|--|--|
| مشکی و دیگران       | ۱۳۹۰ | بررسی وضعیت و عوامل مرتبط با طلاق از دیدگاه زوجین مطلقه گناباد | ۶۰/۷ درصد طلاق در ۵ سال اول زندگی، ۶۳ درصد در مناطق شهری، ۷۶ درصد از زوجین دیپلم یا کم‌تر از دیپلم، ۴۵ درصد زوجین کم‌تر از ۲۰ سال          |
| بوالهروی و دیگران   | ۱۳۹۱ | بررسی علل منجر به طلاق در زوجین متقاضی در دادگاه‌های تهران     | عوامل روانی، فرهنگی - اجتماعی، اقتصادی، میانه طول مدت ازدواج ۶ سال، فراوانی تقاضای طلاق در گروه تحصیلی دیپلم، زنان خانه‌دار، افراد بی‌سواد |
| هیرومی اونو         | ۲۰۰۰ | آموزش و طلاق زنان و مردان در آمریکا و ژاپن                     | سطح بالای تحصیلات زن و مرد عامل جلوگیری از طلاق  |
| دیفنباخ و کارل دیتز | ۲۰۰۷ | چه وقت و چرا مردم فکر می‌کنند باید از هم جدا شوند؟             | پاسخ‌گویی شهری به معیارهای طلاق آسان‌گیرتر از روستاییان است.   |
| مارتین و پاراشار    | ۲۰۰۸ | رابطه نگرش به طلاق با مدارج تحصیلی                             | افزایش طلاق در فارغ‌التحصیلان دانشگاهی   |
| لرر                 | ۲۰۱۴ | رابطه بین سن و انحلال ازدواج                                   | اختلاف سنی زیاد، به‌ویژه زمانی که زن بزرگ‌تر باشد، اثر معکوس بر ثبات ازدواج خواهد داشت   |
| لنگستاد             | ۲۰۱۵ | ناهم‌سان‌همسری و طلاق  | تأثیر ناهم‌سان‌همسری سنی بر طلاق، به‌ویژه زمانی که زن بزرگ‌تر باشد.  |
| سالوینی و ویننگولی  | ۲۰۱۵ | مطالعه‌ای طولی از علل طلاق                                     | طلاق بالا در زنان با تحصیلات کم  |

مطالعات صورت‌گرفته به ما کمک می‌کند دریابیم که کدام عوامل در پدیده طلاق مؤثر بوده‌اند. اما باید توجه کرد که این تحقیق وضعیت طلاق را در استان ایلام در یک روند ۵ساله به‌صورت جامع و با تأکید بر متغیرهای جمعیت‌شناختی مؤثر بر این مسئله بررسی می‌کند. در پیشینه تجربی به تحقیقات انجام‌شده اشاره کردیم. بیش‌تر این تحقیقات برای بررسی عوامل مؤثر بر طلاق و بیش‌تر در شهرهای بزرگ صورت گرفته‌اند و در استان کوچکی مانند ایلام، تعدادشان بسیار اندک بوده است.

#### ۴. روش تحقیق

روش پژوهش در این تحقیق براساس هدف، کاربردی و نوع جمع‌آوری داده‌ها از نوع توصیفی آماری است. این پژوهش با روش کمی و به‌صورت توصیفی بر مبنای داده‌های اسنادی صورت گرفته است، بر این اساس که پژوهش‌گر آمار مربوط به طلاق را از اداره کل ثبت احوال استان ایلام جمع‌آوری کرد. این آمار به‌صورت تمام‌شماری بررسی شدند.

در این تحقیق، به جای نمونه‌گیری، از روش سرشماری استفاده شده است. باتوجه به این‌که آمار مورد استفاده در این پژوهش توسط سازمان ثبت و احوال استان ایلام در اختیار محقق قرار گرفته است و می‌توان به صحت آن‌ها اعتماد کرد، ابزار تحقیق دارای اعتبار است. برای توصیف ویژگی‌های جمعیت‌شناختی جامعه مورد مطالعه از آماره‌های فراوانی و درصد فراوانی و رسم نمودار استفاده شده است. محدوده مکانی این پژوهش استان ایلام است. از آن‌جاکه این پژوهش به بررسی روند طلاق در استان ایلام می‌پردازد، لذا محدوده زمانی تحقیق از سال ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۶ برای بررسی انتخاب شده است.

## ۵. یافته‌های پژوهش

بر مبنای یافته‌های پژوهش، خلاصه آمار ازدواج و طلاق استان ایلام طی سال‌های ۱۳۹۲-۱۳۹۶ به شرح جدول ۲ است.

جدول ۲. آمار ازدواج و طلاق استان ایلام

| سال  | ازدواج | طلاق | نسبت طلاق به ازدواج |
|------|--------|------|---------------------|
| ۱۳۹۲ | ۶۵۵۸   | ۶۱۹  | ۹/۴                 |
| ۱۳۹۳ | ۵۷۱۸   | ۵۸۳  | ۱۰/۲                |
| ۱۳۹۴ | ۵۸۱۰   | ۷۴۲  | ۱۲/۸                |
| ۱۳۹۵ | ۶۰۶۰   | ۸۲۴  | ۱۳/۶                |
| ۱۳۹۶ | ۵۰۵۲   | ۸۵۶  | ۱۶/۹                |

- وضعیت طلاق‌های ثبت شده

جدول ۳. فراوانی و درصد فراوانی طلاق‌های ثبت شده در استان طی سال‌های ۱۳۹۶-۱۳۹۲

| فراوانی | سال ۱۳۹۲ |      | سال ۱۳۹۳ |      | سال ۱۳۹۴ |      | سال ۱۳۹۵ |      | سال ۱۳۹۶ |      |
|---------|----------|------|----------|------|----------|------|----------|------|----------|------|
|         | تعداد    | درصد | تعداد    | درصد | تعداد    | درصد | تعداد    | درصد | تعداد    | درصد |
|         | ۶۱۹      | ۱۷/۱ | ۵۸۳      | ۱۶/۱ | ۷۴۲      | ۲۰/۵ | ۸۲۴      | ۲۲/۸ | ۸۵۶      | ۲۳/۷ |

همان‌طور که در جداول ۴ و ۵ مشاهده می‌شود، شاهد کاهش تعداد ازدواج‌ها و افزایش تعداد طلاق‌ها طی روند ۵ ساله هستیم، به طوری که نسبت طلاق به ازدواج در سال ۱۳۹۲، از ۹/۴ درصد به ۱۶/۹ درصد در سال ۱۳۹۶ رسیده است. در جدول ۳ به صورت خاص به وضعیت تعداد طلاق‌ها از سال ۱۳۹۲-۱۳۹۶ پرداخته شده است.

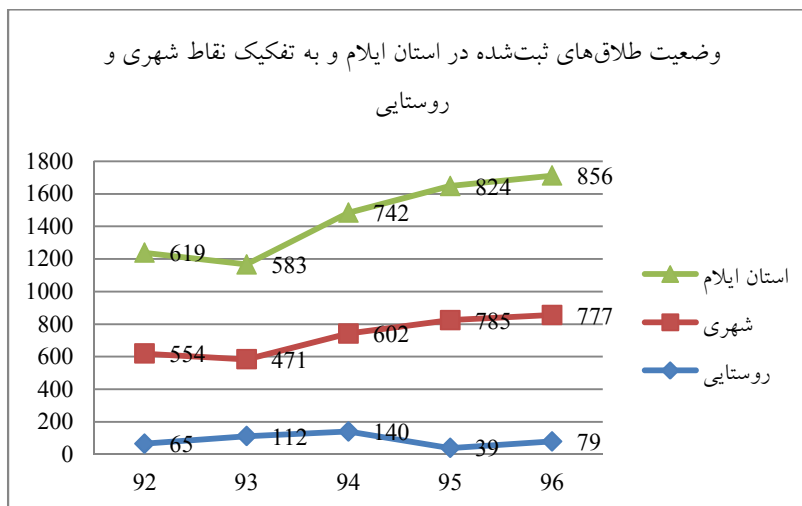
- وضعیت طلاق‌های ثبت‌شده به تفکیک شهرستان؛ نقاط شهری - روستایی

جدول ۴. درصد فراوانی طلاق‌های ثبت‌شده به تفکیک شهرستان؛ نقاط شهری - روستایی

| سال      | محدوده جغرافیایی | درصد فراوانی به تفکیک شهرستان |         |       |
|----------|------------------|-------------------------------|---------|-------|
|          |                  | شهری                          | روستایی | جمع   |
| سال ۱۳۹۲ | آبدانان          | ۰/۰                           | ۰/۰     | ۰/۰   |
|          | ایلام            | ۶۹/۶                          | ۸/۶     | ۰/۱۰۰ |
|          | ایوان            | ۰/۰                           | ۰/۰     | ۰/۰   |
|          | بدره             | ۰/۶                           | ۰/۰     | ۰/۱۰۰ |
|          | چرداول           | ۰/۰                           | ۰/۰     | ۰/۰   |
|          | دره‌شهر          | ۱۶/۳                          | ۱۳/۷    | ۰/۱۰۰ |
|          | دهلران           | ۷/۹                           | ۱۶/۹    | ۰/۱۰۰ |
|          | سیروان           | ۰/۰                           | ۰/۰     | ۰/۰   |
|          | ملکشاهی          | ۰/۱                           | ۰/۰     | ۰/۱۰۰ |
|          | مهران            | ۰/۸                           | ۲۸/۶    | ۰/۱۰۰ |
| سال ۱۳۹۳ | آبدانان          | ۰/۰                           | ۰/۰     | ۰/۰   |
|          | ایلام            | ۶۴/۱                          | ۱۸/۸    | ۰/۱۰۰ |
|          | ایوان            | ۰/۰                           | ۰/۰     | ۰/۰   |
|          | بدره             | ۰/۰                           | ۰/۰     | ۰/۰   |
|          | چرداول           | ۰/۰                           | ۰/۰     | ۰/۰   |
|          | دره‌شهر          | ۲۲/۴                          | ۱۵/۳    | ۰/۱۰۰ |
|          | دهلران           | ۱۲/۰                          | ۲۸/۶    | ۰/۱۰۰ |
|          | سیروان           | ۰/۰                           | ۰/۰     | ۰/۰   |
|          | ملکشاهی          | ۰/۱                           | ۰/۰     | ۰/۱۰۰ |
|          | مران             | ۱/۲                           | ۲۸/۶    | ۰۰/۱۰ |
| سال ۱۳۹۴ | آبدانان          | ۰/۱                           | ۰/۱۰۰   | ۰/۱۰۰ |
|          | ایلام            | ۶۹/۸                          | ۱۷/۲    | ۰/۱۰۰ |
|          | ایوان            | ۰/۰                           | ۰/۰     | ۰/۰   |
|          | بدره             | ۰/۰                           | ۰/۰     | ۰/۰   |
|          | چرداول           | ۰/۰                           | ۰/۰     | ۰/۰   |
|          | دره‌شهر          | ۱۹/۵                          | ۱۵/۹    | ۰/۱۰۰ |

| سال      | محدوده جغرافیایی | درصد فراوانی طلاق‌ها به تفکیک نقاط شهری - روستایی |         |       |
|----------|------------------|---|---------|-------|
|          |                  | شهری  | روستایی | جمع   |
| سال ۱۳۹۵ | دهلران           | ۶۸/۲  | ۳۱/۸    | ۰/۱۰۰ |
|          | سیروان           | ۵۷/۱  | ۴۲/۹    | ۰/۱۰۰ |
|          | ملکشاهی          | ۰/۰   | ۰/۰     | ۰/۰   |
|          | مهران            | ۰/۵۰  | ۰/۵۰    | ۰/۱۰۰ |
|          | آبدانان          | ۰/۱۰۰   | ۰/۰     | ۰/۱۰۰ |
|          | ایلام            | ۹۵/۵  | ۴/۵     | ۰/۱۰۰ |
|          | ایوان            | ۰/۱۰۰   | ۰/۰     | ۰/۱۰۰ |
|          | بدره             | ۰/۰   | ۰/۰     | ۰/۰   |
|          | چرداول           | ۰/۰   | ۰/۰     | ۰/۰   |
|          | دره‌شهر          | ۹۵/۵  | ۴/۵     | ۰/۱۰۰ |
|          | دهلران           | ۰/۹۰  | ۰/۱۰    | ۰/۱۰۰ |
|          | سیروان           | ۰/۰   | ۰/۰     | ۰/۰   |
|          | ملکشاهی          | ۰/۰   | ۰/۰     | ۰/۰   |
|          | مهران            | ۰/۰   | ۰/۰     | ۰/۰   |
| سال ۱۳۹۶ | آبدانان          | ۷۴/۴  | ۲۵/۶    | ۰/۱۰۰ |
|          | ایلام            | ۹۶/۳  | ۳/۷     | ۰/۱۰۰ |
|          | ایوان            | ۹۳/۴  | ۶/۶     | ۰/۱۰۰ |
|          | بدره             | ۰/۱۰۰   | ۰/۰     | ۰/۱۰۰ |
|          | چرداول           | ۴۷/۷  | ۵۲/۳    | ۰/۱۰۰ |
|          | دره‌شهر          | ۹۸/۴  | ۱/۶     | ۰/۱۰۰ |
|          | دهلران           | ۰/۱۰۰   | ۰/۰     | ۰/۱۰۰ |
|          | سیروان           | ۰/۰   | ۰/۰     | ۰/۰   |
|          | ملکشاهی          | ۰/۰   | ۰/۰     | ۰/۰   |
|          | مهران            | ۰/۰   | ۰/۰     | ۰/۰   |

به‌طور کلی، داده‌های جداول بالا نشان از افزایش تعداد طلاق در استان ایلام طی سال‌های یادشده دارد. به‌عبارتی، از ۱۷/۱ درصد در سال ۱۳۹۲ به ۲۳/۷ درصد در سال ۱۳۹۶ افزایش یافته است. سایر مقادیر به‌تفکیک در جدول ۴ به‌نمایش گذاشته شده است.



نمودار ۱. وضعیت طلاق‌های ثبت‌شده در استان و به تفکیک نقاط شهری - روستایی

- وضعیت طلاق‌های ثبت‌شده برحسب سطح تحصیلات زوجین

جدول ۵. درصد فراوانی طلاق‌های ثبت‌شده برحسب وضعیت تحصیلی

| سال  | سطح تحصیلات |     | سواد بی‌سواد | سواد خواندن و نوشتن (بدون مدرک) | تعمیرت سوادآموزی | ابتدایی | رانشمایی | کم‌تر از دیپلم | دیپلم یا پیش‌دانشگاهی | فوق دیپلم (کارشناسی) | لیسانس (کارشناسی) | فوق لیسانس (کارشناسی ارشد) | دکترای تخصصی PHD (فخرپزشکی) | دکترای حرفه‌ای (پزشکی) | علوم دینی (سطح ۱، ۲، ۳) | بدون پاسخ | جمع   |
|------|-------------|-----|--------------|---------------------------------|------------------|---------|----------|----------------|-----------------------|----------------------|-------------------|----------------------------|-----------------------------|------------------------|-------------------------|-----------|-------|
|      | جنسیت       | زن  |              |                                 |                  |         |          |                |                       |                      |                   |                            |                             |                        |                         |           |       |
| ۱۳۹۲ | زن          | ۲/۲ | ۰/۶          | ۱/۱                             | ۶/۱              | ۱۱/۴    | ۱۸/۱     | ۴۱/۱           | ۷/۴                   | ۱۰/۳                 | ۰/۰               | ۰/۰                        | ۰/۰                         | ۰/۰                    | ۰/۰                     | ۱/۲       | ۰/۱۰۰ |
|      | مرد         | ۱/۹ | ۰/۶          | ۰/۸                             | ۷/۲              | ۱۵/۱    | ۱۲/۱     | ۴۴/۰           | ۶/۱                   | ۱۰/۳                 | ۰/۴               | ۰/۰                        | ۰/۰                         | ۰/۰                    | ۰/۰                     | ۱/۲       | ۰/۱۰۰ |
|      | جمع         | ۲/۱ | ۰/۵          | ۰/۹                             | ۶/۷              | ۱۳/۳    | ۱۵/۲     | ۴۲/۵           | ۶/۸                   | ۱۰/۲                 | ۰/۲               | ۰/۰                        | ۰/۰                         | ۰/۰                    | ۰/۰                     | ۱/۲       | ۰/۱۰۰ |
| ۱۳۹۳ | زن          | ۴/۴ | ۰/۵          | ۰/۰                             | ۹/۰              | ۱۴/۹    | ۳/۴      | ۳۵/۱           | ۲/۴                   | ۲۰/۴                 | ۲/۷               | ۰/۰                        | ۰/۰                         | ۰/۰                    | ۰/۰                     | ۰/۶       | ۰/۱۰۰ |
|      | مرد         | ۲/۰ | ۴/۱          | ۰/۰                             | ۱۰/۱             | ۱۹/۷    | ۴/۸      | ۳۷/۸           | ۸/۲                   | ۱۱/۹                 | ۲/۷               | ۰/۱                        | ۰/۰                         | ۰/۰                    | ۰/۰                     | ۰/۵       | ۰/۱۰۰ |
|      | جمع         | ۳/۵ | ۱/۰          | ۰/۰                             | ۱۰/۳             | ۱۸/۸    | ۴/۵      | ۳۹/۵           | ۹/۱                   | ۱۷/۵                 | ۳/۰               | ۰/۰                        | ۰/۰                         | ۰/۰                    | ۰/۰                     | ۰/۶       | ۰/۱۰۰ |
| ۱۳۹۴ | زن          | ۴/۳ | ۰/۴          | ۰/۲                             | ۷/۵              | ۱۴/۸    | ۵/۱      | ۳۷/۰           | ۶/۷                   | ۱۸/۸                 | ۲/۸               | ۰/۲                        | ۰/۰                         | ۰/۰                    | ۰/۰                     | ۱/۲       | ۰/۱۰۰ |
|      | مرد         | ۲/۵ | ۰/۹          | ۰/۱                             | ۹/۵              | ۱۶/۳    | ۶/۴      | ۳۷/۵           | ۶/۸                   | ۱۵/۲                 | ۲/۸               | ۰/۲                        | ۰/۰                         | ۰/۰                    | ۰/۰                     | ۱/۲       | ۰/۱۰۰ |
|      | جمع         | ۳/۵ | ۰/۷          | ۰/۲                             | ۸/۸              | ۱۵/۹    | ۵/۹      | ۳۸/۲           | ۷/۰                   | ۱۷/۴                 | ۲/۹               | ۰/۲                        | ۰/۰                         | ۰/۰                    | ۰/۰                     | ۱/۲       | ۰/۱۰۰ |
| ۱۳۹۵ | زن          | ۴/۱ | ۰/۹          | ۰/۴                             | ۴/۶              | ۶/۷     | ۱۵/۰     | ۳۲/۹           | ۸/۸                   | ۲۰/۷                 | ۳/۶               | ۰/۲                        | ۰/۰                         | ۰/۰                    | ۰/۰                     | ۱/۵       | ۰/۱۰۰ |
|      | مرد         | ۲/۵ | ۱/۸          | ۰/۴                             | ۵/۲              | ۱۰/۱    | ۱۹/۴     | ۳۳/۲           | ۶/۶                   | ۱۵/۲                 | ۳/۱               | ۰/۳                        | ۰/۰                         | ۰/۰                    | ۱/۴                     | ۰/۱۰۰     |       |
|      | جمع         | ۳/۳ | ۱/۴          | ۰/۴                             | ۴/۹              | ۸/۴     | ۱۷/۲     | ۳۳/۱           | ۷/۸                   | ۱۸/۰                 | ۳/۴               | ۰/۳                        | ۰/۰                         | ۰/۰                    | ۰/۰                     | ۰/۹       | ۰/۱۰۰ |
| ۱۳۹۶ | زن          | ۲/۳ | ۰/۴          | ۰/۲                             | ۴/۶              | ۷/۵     | ۱۰/۵     | ۳۵/۶           | ۸/۵                   | ۱۹/۸                 | ۴/۹               | ۰/۸                        | ۰/۰                         | ۰/۰                    | ۰/۰                     | ۴/۰       | ۰/۱۰۰ |
|      | مرد         | ۲/۶ | ۰/۲          | ۰/۰                             | ۴/۳              | ۸/۸     | ۱۲/۵     | ۴۰/۰           | ۶/۰                   | ۱۵/۵                 | ۴/۴               | ۰/۷                        | ۰/۰                         | ۰/۰                    | ۴/۲                     | ۰/۱۰۰     |       |
|      | جمع         | ۲/۵ | ۰/۳          | ۰/۱                             | ۴/۵              | ۸/۲     | ۱۱/۶     | ۳۷/۸           | ۷/۳                   | ۱۷/۷                 | ۴/۶               | ۰/۷                        | ۰/۰                         | ۰/۰                    | ۴/۱                     | ۰/۱۰۰     |       |

واکاوی ویژگی‌های جمعیت‌شناختی طلاق ... (زهرا رضایی‌نسب و سردار فتوحی) ۱۵۳

همان‌طور که در جدول ۵ مشاهده می‌شود، تعداد طلاق‌ها برحسب وضعیت تحصیلی زوجین نشان می‌دهد که در سال ۱۳۹۲، سطح تحصیلی دیپلم با ۴۲/۵ درصد بیش‌ترین فراوانی را در بین زوجین داشته است. در سال ۱۳۹۳ و ۱۳۹۴ و ۱۳۹۵ نیز به ترتیب ۳۹/۵ درصد، ۳۸/۲ درصد، و ۳۳/۱ درصد از طلاق‌ها برحسب وضعیت تحصیلی، در سطح دیپلم بوده‌اند. سایر مقادیر نیز در جدول ۵ قابل مشاهده است.

- وضعیت طلاق‌های ثبت شده برحسب گروه‌های سنی ۵ سال

جدول ۶. تعداد طلاق‌های ثبت شده برحسب گروه‌های سنی ۵ساله زنان طی سال‌های ۱۳۹۲-۱۳۹۶ در استان ایلام

| گروه های سنی زوجه    |                      |                      | سال  |
|----------------------|----------------------|----------------------|------|
| ساله ۲۴-۳۰<br>(۱۴/۵) | ساله ۲۴-۲۰<br>(۲۶/۰) | ساله ۲۹-۲۵<br>(۲۷/۵) | ۱۳۹۲ |
| ساله ۲۴-۳۰<br>(۱۵/۴) | ساله ۲۴-۲۰<br>(۳۰/۰) | ساله ۲۹-۲۵<br>(۳۱/۰) | ۱۳۹۳ |
| ساله ۲۴-۳۰<br>(۱۶/۹) | ساله ۲۹-۲۵<br>(۲۵/۷) | ساله ۲۴-۲۰<br>(۲۶/۷) | ۱۳۹۴ |
| ساله ۲۴-۳۰<br>(۱۹/۲) | ساله ۲۴-۲۰<br>(۲۰/۰) | ساله ۲۹-۲۵<br>(۲۷/۷) | ۱۳۹۵ |
| ساله ۲۴-۳۰<br>(۱۹/۰) | ساله ۳۴-۳۰<br>(۲۲/۳) | ساله ۲۹-۲۵<br>(۲۸/۰) | ۱۳۹۶ |

جدول ۷. تعداد طلاق‌های ثبت شده برحسب گروه‌های سنی ۵ساله مردان طی سال‌های ۱۳۹۲-۱۳۹۶ در استان ایلام

| گروه های سنی زوج     |                      |                      | سال  |
|----------------------|----------------------|----------------------|------|
| ساله ۲۴-۲۰<br>(۱۲/۶) | ساله ۳۴-۳۰<br>(۲۷/۰) | ساله ۲۹-۲۵<br>(۳۰/۵) | ۱۳۹۲ |
| ساله ۲۴-۲۰<br>(۱۳/۲) | ساله ۳۴-۳۰<br>(۲۸/۵) | ساله ۲۹-۲۵<br>(۳۲/۸) | ۱۳۹۳ |
| ساله ۲۴-۲۰<br>(۱۱/۸) | ساله ۲۹-۲۵<br>(۲۷/۷) | ساله ۳۴-۳۰<br>(۳۱/۷) | ۱۳۹۴ |
| ساله ۲۹-۳۵<br>(۱۶/۹) | ساله ۲۹-۲۵<br>(۲۴/۶) | ساله ۳۴-۳۰<br>(۲۸/۱) | ۱۳۹۵ |
| ساله ۲۹-۳۵<br>(۱۹/۰) | ساله ۲۹-۲۵<br>(۲۲/۳) | ساله ۳۴-۳۰<br>(۲۹/۰) | ۱۳۹۶ |

بیشترین فراوانی طلاق برحسب گروه‌های سنی ۵سالهٔ زوجه به‌عنوان مثال در سال ۱۳۹۲ در استان ایلام، مربوط به دو گروه سنی است. به‌عبارتی، گروه‌های سنی ۲۵-۲۹ساله و ۲۰-۲۴ساله به‌ترتیب با ۲۷/۵ درصد و ۲۶/۰ درصد دارای بیشترین فراوانی است. یا در سال ۱۳۹۶، برحسب گروه‌های سنی ۵سالهٔ زوجه، بیشترین فراوانی مربوط به گروه سنی ۲۰-۲۴ (۱۹/۰ درصد) و گروه سنی ۲۵-۲۹ (۲۸/۰ درصد) و گروه سنی ۳۰-۳۴ (۲۲/۳ درصد) و گروه سنی ۳۵-۳۹ سال (۱۲/۳ درصد) بوده و کم‌ترین فراوانی نیز مربوط به گروه‌های سنی کم‌تر از ۱۰ سال، با ۰/۰ درصد است. این رقم برای زوج، در گروه سنی ۲۵-۲۹، با ۲۴/۹ درصد و ۳۰-۳۴ سال با ۲۹/۰ درصد و گروه سنی ۳۵-۳۹ سال با ۱۹/۰ بیشترین فراوانی را دارد. کم‌ترین فراوانی نیز به گروه سنی کم‌تر از ۱۵ و ۷۰-۷۴ سال با ۰/۰ درصد اختصاص دارد. سایر آمارها به‌تفکیک در جداول ۶ و ۷ قابل مشاهده است.

جدول ۸ میانگین سن طلاق زوجین در استان ایلام

| سال  | سن مردان طلاق‌گرفته | سن زنان مطلقه |
|------|---------------------|---------------|
| ۱۳۹۲ | ۳۲/۸                | ۲۷/۸          |
| ۱۳۹۳ | ۳۲/۴                | ۲۷/۳          |
| ۱۳۹۴ | ۳۲/۷                | ۲۷/۶          |
| ۱۳۹۵ | ۳۴/۱                | ۲۹/۵          |
| ۱۳۹۶ | ۳۴/۳                | ۲۹/۹          |

همان‌طورکه در جدول ۸ مشاهده می‌شود، میانگین سن طلاق در مردان و زنان استان ایلام در سال ۱۳۹۲، برای مردان ۳۲/۸ سال و برای زنان ۲۷/۸ سال بوده است. هم‌چنین میانگین سن طلاق در استان در سال ۱۳۹۶ برای مردان ۳۴/۳ سال و برای زنان ۲۹/۹ سال بوده است.



- تعداد طلاق‌های ثبت‌شده برحسب طول مدت ازدواج

جدول ۹. فراوانی و درصد فراوانی طلاق‌های ثبت‌شده برحسب طول مدت ازدواج در استان طی سال‌های ۱۳۹۲-۱۳۹۶

| ۱۳۹۶  |       | ۱۳۹۵  |       | ۱۳۹۴  |       | ۱۳۹۳  |       | ۱۳۹۲  |       | طول مدت ازدواج   |
|-------|-------|-------|-------|-------|-------|-------|-------|-------|-------|------------------|
| درصد  | تعداد | درصد  | تعداد | درصد  | تعداد | درصد  | تعداد | درصد  | تعداد |                  |
| ۱۴/۸  | ۱۲۷   | ۱۵/۴  | ۱۲۷   | ۲۰/۸  | ۱۵۵   | ۲۴/۱  | ۱۴۱   | ۲۱/۴  | ۱۳۴   | کم‌تر از یک سال  |
| ۱۳/۴  | ۱۱۵   | ۱۴/۴  | ۱۱۹   | ۱۵/۲  | ۱۱۳   | ۱۵/۴  | ۹۰    | ۱۶/۴  | ۱۰۲   | ۱-۲ سال          |
| ۸/۱   | ۷۰    | ۸/۶   | ۷۱    | ۸/۳   | ۶۲    | ۱۰/۶  | ۶۲    | ۱۱/۴  | ۷۱    | ۲-۳ سال          |
| ۸/۱   | ۷۰    | ۷/۷   | ۶۴    | ۹/۴   | ۷۰    | ۹/۰   | ۵۳    | ۵/۶   | ۳۵    | ۳-۴ سال          |
| ۷/۱   | ۶۱    | ۷/۰   | ۵۸    | ۷/۰   | ۵۲    | ۷/۲   | ۴۲    | ۵/۸   | ۳۶    | ۴-۵ سال          |
| ۵/۹   | ۵۱    | ۶/۵   | ۵۴    | ۶/۳   | ۴۷    | ۶/۸   | ۴۰    | ۵/۸   | ۳۶    | ۵-۶ سال          |
| ۵/۳   | ۴۶    | ۴/۲   | ۳۵    | ۳/۶   | ۲۷    | ۳/۷   | ۲۲    | ۳/۸   | ۲۴    | ۶-۷ سال          |
| ۴/۷   | ۴۱    | ۴/۳   | ۳۶    | ۳/۹   | ۲۹    | ۴/۱   | ۲۴    | ۳/۲   | ۲۰    | ۷-۸ سال          |
| ۳/۶   | ۳۱    | ۳/۶   | ۳۰    | ۳/۶   | ۲۷    | ۲/۷   | ۱۶    | ۴/۲   | ۲۶    | ۸-۹ سال          |
| ۴/۲   | ۳۶    | ۳/۵   | ۲۹    | ۳/۶   | ۲۷    | ۲/۷   | ۱۶    | ۲/۷   | ۱۷    | ۹-۱۰ سال         |
| ۳/۲   | ۲۸    | ۳/۸   | ۳۲    | ۲/۴   | ۱۸    | ۲/۴   | ۱۴    | ۳/۸   | ۲۴    | ۱۰-۱۱ سال        |
| ۲/۹   | ۲۵    | ۳/۰   | ۲۵    | ۲/۶   | ۲۰    | ۱/۲   | ۷     | ۲/۵   | ۱۶    | ۱۱-۱۲ سال        |
| ۲/۴   | ۲۱    | ۱/۵   | ۱۳    | ۲/۶   | ۲۰    | ۱/۰   | ۶     | ۰/۸   | ۵     | ۱۲-۱۳ سال        |
| ۱/۸   | ۱۶    | ۲/۵   | ۲۱    | ۱/۰   | ۸     | ۱/۰   | ۶     | ۱/۶   | ۱۰    | ۱۳-۱۴ سال        |
| ۱/۷   | ۱۵    | ۱/۲   | ۱۰    | ۱/۴   | ۱۱    | ۰/۵   | ۳     | ۱/۹   | ۱۲    | ۱۴-۱۵ سال        |
| ۱/۸   | ۱۶    | ۲/۰   | ۱۷    | ۰/۴   | ۳     | ۱/۰   | ۶     | ۰/۶   | ۴     | ۱۵-۱۶ سال        |
| ۱/۵   | ۱۳    | ۱/۵   | ۱۳    | ۰/۶   | ۵     | ۰/۵   | ۳     | ۰/۶   | ۴     | ۱۶-۱۷ سال        |
| ۱/۵   | ۱۳    | ۰/۷   | ۶     | ۰/۱   | ۱     | ۰/۶   | ۴     | ۱/۱   | ۷     | ۱۷-۱۸ سال        |
| ۱/۶   | ۱۴    | ۰/۹   | ۸     | ۰/۵   | ۴     | ۰/۳   | ۲     | ۰/۸   | ۵     | ۱۸-۱۹ سال        |
| ۰/۴   | ۴     | ۰/۴   | ۴     | ۰/۵   | ۴     | ۰/۵   | ۳     | ۱/۱   | ۷     | ۱۹-۲۰ سال        |
| ۰/۳   | ۳     | ۰/۶   | ۵     | ۰/۵   | ۴     | ۰/۳   | ۲     | ۰/۶   | ۴     | ۲۰-۲۱ سال        |
| ۰/۸   | ۷     | ۱/۰   | ۹     | ۰/۴   | ۳     | ۰/۶   | ۴     | ۰/۱   | ۱     | ۲۱-۲۲ سال        |
| ۰/۴   | ۴     | ۰/۴   | ۴     | ۰/۴   | ۳     | ۰/۱   | ۱     | ۰/۴   | ۳     | ۲۲-۲۳ سال        |
| ۰/۴   | ۴     | ۰/۶   | ۵     | ۰/۲   | ۲     | ۰/۱   | ۱     | ۰/۴   | ۳     | ۲۳-۲۴ سال        |
| ۰/۴   | ۴     | ۰/۲   | ۲     | ۰/۴   | ۳     | ۰/۳   | ۲     | ۰/۶   | ۴     | ۲۴-۲۵ سال        |
| ۰/۹   | ۸     | ۰/۲   | ۲     | ۰/۵   | ۴     | ۰/۶   | ۴     | ۰/۱   | ۱     | ۲۵-۲۶ سال        |
| ۰/۰   | ۰     | ۰/۸   | ۷     | ۰/۲   | ۲     | ۰/۱   | ۱     | ۰/۳   | ۲     | ۲۶-۲۷ سال        |
| ۰/۲   | ۲     | ۰/۳   | ۳     | ۰/۱   | ۱     | ۰/۱   | ۱     | ۰/۱   | ۱     | ۲۷-۲۸ سال        |
| ۰/۳   | ۳     | ۰/۲   | ۲     | ۰/۶   | ۵     | ۰/۱   | ۱     | ۰/۱   | ۱     | ۲۸-۲۹ سال        |
| ۰/۹   | ۸     | ۱/۵   | ۱۳    | ۱/۶   | ۱۲    | ۰/۱   | ۶     | ۰/۶   | ۴     | بیش‌تر از ۲۹ سال |
| ۰/۱۰۰ | ۸۵۶   | ۰/۱۰۰ | ۸۲۴   | ۰/۱۰۰ | ۷۴۲   | ۰/۱۰۰ | ۵۸۳   | ۰/۱۰۰ | ۶۱۹   | جمع              |

همان‌طور که در جدول ۹ مشاهده می‌شود، بیش‌ترین فراوانی طلاق‌ها برحسب متغیر طول مدت ازدواج در سال ۱۳۹۲ برای استان ایلام مربوط به مدت ازدواج کم‌تر از یک سال با تعداد ۱۳۴ طلاق (۲۱/۴ درصد) است. بعدازآن، به‌ترتیب طول مدت ازدواج ۱-۲ سال با ۱۶/۴ درصد، ۲-۳ سال با ۱۱/۴ درصد، ۳-۴ سال با ۵/۶ درصد، ۴-۵ سال با ۵/۸ است. هرچه به‌سمت پایین جدول حرکت می‌کنیم، باتوجه‌به این‌که طول مدت ازدواج افزایش پیدا می‌کند، تعداد طلاق‌ها کاهش پیدا می‌کند. هم‌چنین در سال‌های ۱۳۹۳، ۱۳۹۴، ۱۳۹۵، و ۱۳۹۶ به همین ترتیب، یعنی طول مدت زندگی کم‌تر از یک سال بیش‌ترین فراوانی طلاق را به خود اختصاص داده است، به‌ترتیب با ۲۴/۱ درصد، ۲۰/۸ درصد، ۱۵/۴ درصد، و ۱۴/۸ درصد. در این سال‌ها نیز هرچه بر طول مدت ازدواج افزوده می‌شود، تعداد طلاق‌ها کاهش می‌یابد. به‌هرحال، بیش‌ترین فراوانی طلاق در استان ایلام برحسب طول مدت ازدواج مربوط به طول مدت ازدواج کم‌تر از یک سال، ۱-۲ سال، ۲-۳ سال، و ۴-۵ سال است. به‌طور کلی، میانگین طول مدت ازدواج در استان ایلام و مقایسه آن با میانگین کشوری، اطلاعاتی را در جدول ۱۰ نشان می‌دهد.

جدول ۱۰. میانگین طول مدت ازدواج در کشور و استان ایلام

| میانگین طول مدت ازدواج برحسب سال |      | سال  |
|----------------------------------|------|------|
| استان ایلام                      | کشور |      |
| ۵/۳                              | ۷/۹  | ۱۳۹۲ |
| ۵/۰                              | ۸/۰  | ۱۳۹۳ |
| ۵/۷                              | ۸/۳  | ۱۳۹۴ |
| ۶/۱                              | ۸/۱  | ۱۳۹۵ |
| ۶/۵                              | ۸/۹  | ۱۳۹۶ |

بدین ترتیب، همان‌طور که ملاحظه می‌شود، میانگین طول مدت ازدواج در استان ایلام همواره طی سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۶ کم‌تر از میانگین کشوری بوده است. در سال ۱۳۹۲، میانگین طول مدت ازدواج در استان ایلام ۵/۳ سال بوده که این مقدار برای کشور ۷/۹ سال بوده است. در سال ۱۳۹۶ نیز میانگین طول مدت ازدواج در استان ۶/۵ سال و در سطح کشوری ۸/۹ سال بوده است.

- وضعیت طلاق برحسب اختلاف سن زوجین

جدول ۱۱. فراوانی و درصد فراوانی وضعیت طلاق برحسب اختلاف سن زوجین بین سال‌های ۱۳۹۲-۱۳۹۶

| اختلاف سنی مرد و زن |       |       |       |       |       |       |       |       |       | وضعیت طلاق برحسب اختلاف سنی زوجین |
|---------------------|-------|-------|-------|-------|-------|-------|-------|-------|-------|-----------------------------------|
| ۱۳۹۶                |       | ۱۳۹۵  |       | ۱۳۹۴  |       | ۱۳۹۳  |       | ۱۳۹۲  |       |                                   |
| تعداد               | درصد  | تعداد | درصد  | تعداد | درصد  | تعداد | درصد  | تعداد | درصد  |                                   |
| ۶                   | ۰/۷   | ۵     | ۰/۵   | ۷     | ۰/۹   | ۳     | ۰/۵   | ۷     | ۱/۱   | بیش از ۲۳ سال بزرگ‌تر             |
| ۵                   | ۰/۵   | ۵     | ۰/۵   | ۴     | ۰/۵   | ۴     | ۰/۶   | ۵     | ۰/۸   | ۲۳-۲۰ سال بزرگ‌تر                 |
| ۱۳                  | ۱/۵   | ۱۸    | ۲/۱   | ۲۱    | ۲/۹   | ۲۱    | ۳/۶   | ۱۷    | ۲/۷   | ۲۰-۱۵ سال بزرگ‌تر                 |
| ۹۴                  | ۱۱/۰  | ۱۰۸   | ۱۲/۹  | ۱۰۷   | ۱۴/۴  | ۶۱    | ۱۰/۴  | ۷۰    | ۱۱/۳  | ۱۵-۱۰ سال بزرگ‌تر                 |
| ۲۴۹                 | ۲۹/۱  | ۲۳۴   | ۲۷/۸  | ۲۱۸   | ۲۹/۴  | ۱۷۷   | ۳۰/۴  | ۱۵۸   | ۲۵/۵  | ۱۰-۵ سال بزرگ‌تر                  |
| ۳۷۶                 | ۴۴/۰  | ۳۵۰   | ۴۱/۶  | ۳۱۲   | ۴۲/۱  | ۲۵۲   | ۴۳/۳  | ۲۶۴   | ۴۲/۶  | ۵-۰ سال بزرگ‌تر                   |
| ۹۴                  | ۱۱/۰  | ۷۶    | ۹/۱   | ۵۸    | ۷/۹   | ۵۱    | ۸/۸   | ۵۷    | ۹/۲   | ۵-۱ سال کوچک‌تر                   |
| ۱۶                  | ۱/۹   | ۲۰    | ۲/۳   | ۱۵    | ۲/۱   | ۷     | ۱/۲   | ۱۱    | ۱/۷   | ۱۰-۵ سال کوچک‌تر                  |
| ۱                   | ۰/۱   | ۶     | ۰/۷   | ۰     | ۰/۰   | ۳     | ۰/۵   | ۲     | ۰/۳   | ۱۵-۱۰ سال کوچک‌تر                 |
| ۲                   | ۰/۲   | ۲     | ۰/۲   | ۰     | ۰/۰   | ۰     | ۰/۰   | ۱     | ۰/۱   | ۲۰-۱۵ سال کوچک‌تر                 |
| ۰                   | ۰/۰   | ۰     | ۰/۰   | ۰     | ۰/۰   | ۰     | ۰/۰   | ۰     | ۰/۰   | ۲۳-۲۰ سال کوچک‌تر                 |
| ۰                   | ۰/۰   | ۰     | ۰/۰   | ۰     | ۰/۰   | ۰     | ۰/۰   | ۰     | ۰/۰   | بیش از ۲۳ سال کوچک‌تر             |
| ۸۵۶                 | ۰/۱۰۰ | ۸۲۴   | ۰/۱۰۰ | ۷۴۲   | ۰/۱۰۰ | ۵۸۳   | ۰/۱۰۰ | ۶۱۹   | ۰/۱۰۰ | جمع                               |

فراوانی و درصد فراوانی وضعیت طلاق برحسب اختلاف سن زوجین بین سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۶ نشان می‌دهد که در سال ۱۳۹۲، در ۲۴۲ مورد (۴۲/۶ درصد) از ۶۱۹ مورد طلاق ثبت شده، مرد کم‌تر از ۵ سال از زن بزرگ‌تر بوده است. بعدازآن، به‌ترتیب، در ۱۵۸ طلاق ثبت شده (۲۵/۵ درصد)، مرد ۵ تا ۱۰ سال بزرگ‌تر بوده و در ۷۰ مورد، یعنی (۱۱/۳ درصد)، مرد ۱۰ تا ۱۵ سال از زن بزرگ‌تر بوده است. به‌طور کلی، داده‌های جدول ۱۱ نشان می‌دهد که در تمام سال‌های مذکور، وضعیت طلاق برحسب متغیر اختلاف سنی زوجین به این صورت بوده که بیش‌ترین فراوانی مربوط به اختلاف سنی ۰-۵ سال است که در آن مرد از زن بزرگ‌تر است. این میزان در سال ۱۳۹۳، ۴۳/۳ درصد؛ در سال ۱۳۹۴، ۴۲/۱ درصد؛ در سال ۱۳۹۵، ۴۱/۶ درصد؛ و در سال ۱۳۹۶، ۴۴/۰ درصد بوده است. بعدازآن، به‌ترتیب اختلاف سنی ۵-۱۰ سال با فراوانی ۲۵/۵ درصد در سال ۹۲، ۳۰/۴ درصد در سال ۱۳۹۳، ۲۹/۴ درصد در سال ۱۳۹۴، ۲۷/۸ درصد در سال ۱۳۹۵ و بالاخره ۲۹/۱ درصد در سال ۱۳۹۶ قرار دارد. هم‌چنین آمار موجود در جدول ۱۱ نشان می‌دهد که تعداد طلاق‌هایی که در آن زن بزرگ‌تر از مرد باشد، به‌ویژه در فاصله سنی ۰-۵ سال، از سال ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۶ در حال افزایش بوده است. یعنی از ۹/۲ درصد به ۱۱/۵ درصد افزایش یافته است. کم‌ترین فراوانی نیز مربوط به اختلاف سنی ۲۰ تا ۲۳ سال و بیش از ۲۳ سال کوچک‌تر بودن مرد از زن است.

## ۶. بحث و نتیجه‌گیری

آمار ارائه‌شده اداره کل ثبت احوال استان ایلام در بخش ویژگی‌های دموگرافیک مسئله طلاق بیان‌گر آن است که واقعه طلاق از سال ۱۳۹۲ تا سال ۱۳۹۶ هر ساله افزایش چشم‌گیری داشته است. نتایج بیان‌گر آن است که طلاق در بین شهری‌ها بسیار بیش‌تر از روستایی‌هاست که هم‌سو با نتایج تحقیق مشکلی و دیگران (۱۳۹۰)، دیفنباخ و کارل دیتز (۲۰۰۷) است. باید با زیمل (۱۹۶۵) هم‌عقیده بود که در شهر با رشد روابط جامعه و گسترش خانواده‌های هسته‌ای و مستقل، فشار هنجاری و کنترل رفتاری حاصل از روابط اجتماعی خانواده گسترده رو به افول می‌گذارد. فرد در محیط شهری تنوع‌های شهری را بیش‌تر لمس می‌کند و بی‌تفاوتی‌ها را بیش‌تر تجربه می‌کند و در نتیجه آن، حساسیت و بازدارندگی درقبال طلاق کاهش می‌یابد. هرچه محیط شهری بزرگ‌تر باشد، این تنوع و بی‌تفاوتی‌ها بیش‌تر می‌شود، ولی فشار هنجاری و کنترل اجتماعی نیز بیش‌تر می‌شود، لذا طلاق راحت‌تر صورت می‌گیرد، به‌طوری‌که طی سال‌های یادشده (۱۳۹۲ تا ۱۳۹۶)

شهرستان ایلام همواره با اختلاف زیاد نسبت به سایر شهرستان‌ها در رتبه اول قرار گرفته است. بعد از آن، به ترتیب شهرستان‌های دره‌شهر و دهلران قرار دارند و هم‌چنین یافته‌ها بیان‌گر آن است که طلاق در روستاها نیز در حال افزایش است. در واقع مبتنی بر رویکرد نظری بوردیو (۱۳۹۰) منش و ذائقه شهری‌ها نسبت به طلاق متفاوت با منش و ذائقه روستایی‌هاست و منش و ذائقه زوجین در شهرهای بزرگ نیز متمایز از شهرهای کوچک‌تر است. در واقع، کلان‌شهرها، شهرهای کوچک، و روستاها نوعی فضای اجتماعی هستند که منش و ذائقه متفاوتی را نسبت به طلاق امکان‌پذیر می‌کند. مثلاً در شهرهای بزرگ تمایل به زادوولد کم‌تر است، زیرا هزینه‌های فرزندآوری و مخارج زندگی مردم بیش‌تر است، در حالی که در محیط روستایی فرزندان در همان سنین کودکی نیروی کاری تلقی می‌شوند و فرزندآوری بیش‌تر است. در واقع، افزایش تعداد فرزندان خود نوعی بازدارندگی برای طلاق است که به‌نظر بوردیو تا حدودی مبتنی بر منش روستاییان است.

تعداد طلاق‌ها برحسب وضعیت تحصیلی زوجین نشان می‌دهد که همواره طی سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۶، سطح تحصیلات دیپلم بیش‌ترین فراوانی را در بین زوجین داشته است و سطح تحصیلات غیردانشگاهی در این سال‌ها بسیار بیش‌تر از تحصیلات دانشگاهی با واقعه طلاق مواجهه بوده‌اند. نتایج تحقیق بوالهروی و دیگران (۱۳۹۰) نیز نشان داد بیش‌تر مراجعه‌کنندگان به دادگاه‌های خانواده سطح تحصیلاتشان دیپلم است و هم‌چنین با نتایج تحقیقات هیرومی اونو (۲۰۰۰)، مارتین و پاراشار (۲۰۰۳)، و کریمی و دیگران (۱۳۸۹) هم‌سویی دارد. به تاسی از بوردیو (۱۳۹۰)، می‌توان اذعان داشت که سطح تحصیلات نوعی سرمایه اجتماعی و اقتصادی به هم‌راه دارد که نظم اجتماعی مبتنی بر میزان دسترسی به این میزان سرمایه است. میزان اشتغال افراد با تحصیلات بالا، آگاهی به فنون اقناع طرف مقابل، و آگاهی از حقوق خود و دیگران از ویژگی‌های منش افراد با تحصیلات بالاست که به حل مسائل زناشویی کمک می‌کند و کم‌تر به طلاق منجر می‌شود، ولی آنچه حائز اهمیت است این است که این پژوهش نشان داده که هر ساله میزان طلاق در بین افراد با تحصیلات دانشگاهی بیش‌تر شده است، این یعنی ذائقه و منش قشر دانشگاهی در حال تغییر است، زیرا فضای اجتماعی آنان تغییر کرده است. امروزه افراد دارای تحصیلات دانشگاهی در فضای اجتماعی زندگی می‌کنند که از یک سو، با بی‌کاری روزافزون مواجهه‌اند و توقع فراینده بر آن سنگینی می‌کند و از سوی دیگر، باین که مدارک تحصیلات دانشگاهی افزایش داشته است، سواد فنون اقناع، فنون گفت‌وگو، آگاهی از حقوق خود و دیگران کاهش یافته و لذا طلاق در بین افراد دارای تحصیلات بالا در حال افزایش است.

بیش‌ترین فراوانی طلاق برحسب گروه‌های سنی ۵ساله زنان طی سال‌های موردبررسی در استان ایلام، مربوط به دو گروه سنی ۲۵-۲۹ساله و ۲۰-۲۴ساله است، ولی بیش‌ترین فراوانی طلاق در بین مردان مربوط به دو گروه سنی ۲۵-۲۹ساله و ۳۰-۳۴ساله است. اما زنان و مردان در گروه سنی ۲۵-۲۹ساله طی سال‌های موردبررسی بیش‌ترین فراوانی طلاق را دارند. این افزایش ازیک‌سو، ناشی از میزان ازدواج در این سنین است که بیش از ۷۰ درصد از زنان و مردان در این دایره سنی ازدواج می‌کنند، ازسوی دیگر، نتایج تحقیق حاضر برحسب متغیر طول مدت ازدواج طی سال‌های موردبررسی (۱۳۹۲-۱۳۹۶) در استان ایلام نشان داد که هرچه طول مدت ازدواج افزایش پیدا می‌کند، تعداد طلاق‌ها کاهش پیدا می‌کند. این نتایج هم‌سو با نتایج تحقیق مشکئی و دیگران (۱۳۹۰) است که معتقد است در ۶۰/۷ درصد موارد، طلاق در ۵ سال اول زندگی اتفاق می‌افتد. هم‌چنین نتایج این تحقیق متناقض با تحقیق برگس و والین است که معتقدند بیش از دوسوم زنان و شوهران در سال‌های میانه ازدواج، نسبت به سال‌های اول تا پنجم ازدواج، از سازگاری کم‌تری برخوردارند. لذا باید با نظریه تضاد ارزش‌ها هم‌عقیده بود. از آنجایی که ارزش‌های مختلف و تنوع سبک‌های زندگی در جامعه وجود دارد، در سال‌های اولیه ازدواج این اختلاف را برنمی‌تابند. چنان‌چه بخواهیم با زبان بوردیویی بگوییم، ذائقه‌های مختلف وجوه مشابه و متمایزی را در افراد نشان می‌دهد که این ذائقه‌ها رجحان‌های افرادی را که رجحان‌های مشابه دارند با هم متحد می‌سازد و آن‌ها را از افرادی که ذائقه‌های مشابه دارند متمایز می‌نماید (ریتزر و گودمن ۱۳۹۴: ۵۹۸) و این تمایز چیزی جز اختلاف و طلاق نیست. درواقع، می‌توان این ذائقه را بر مبنای نسلی و سنی هم نشان داد، چنان‌که گیدنز معتقد است نسل‌های مختلف دارای سبک‌های زندگی و هویت‌بخشی‌های متفاوت‌اند. اما یافته‌های جالب‌توجهی که برخلاف نظریه فضای اجتماعی بوردیو و هویت‌بخشی گیدنز است، فراوانی و درصد فراوانی وضعیت طلاق برحسب اختلاف سن زوجین بین سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۶ در استان ایلام نشان می‌دهد که بیش‌ترین فراوانی مربوط به اختلاف سنی ۵-۰ سال است که در آن، مرد از زن بزرگ‌تر است، درحالی‌که طلاق در اختلاف سنی بالاتر از پنج سال کم‌تر شده است. به این معنا، باید به نظریه‌های اقتدارگرایی توجه داشت که باتوجه به مردسالاری جامعه مورد مطالعه، در صورتی که مردان از لحاظ سنی، شغلی، و تحصیلی بالاتر باشند ازدواج موفق‌تر است که نوعی تأیید نظریه ناهم‌سان‌همسری و رد نظریه هم‌سان‌همسری است و اما با تحقیقات غیائی و دیگران (۱۳۸۹) و رحیمی (۱۳۸۰) مغایرت دارد.

به‌طور کلی، باید پذیرفت که طلاق براساس ساختمان ذهنی یا منش کنش‌گران طی فرایند جامعه‌پذیری یا درونی‌کردن ساختارهای جهان اجتماعی بر پایه متغیرهای جمعیت‌شناختی در درون فضاهاى اجتماعى شکل مى‌گیرد و به‌واسطه آن کنش‌گران قادر مى‌شوند که وضعیت ازدواج یا طلاق را درک کنند، بفهمند، و آن را ارزیابی کنند. گاهی یک ذائقه در جامعه‌ای بر ذائقه گروه دیگری برتری می‌یابد و این ذائقه مشروعیت می‌یابد، مثلاً در جامعه مردسالار چنان‌که یافته‌ها نشان داد، اختلاف سنی بین ۵-۱۰ سال کم‌تر به طلاق منجر شده است، درحالی‌که طلاق در بین زوجین با اختلاف سنی ۰-۵ سال بیش‌تر بوده است.

### پیش‌نهادهای پژوهش

باتوجه به این‌که فضاهاى اجتماعى مبتنى بر متغیرهای جمعیت‌شناختی آرایش شده است، گروه‌های مختلف مبتنى بر یک فضای اجتماعى مشترک، ذائقه، و منش مشترکی دارند و این باعث مى‌شود که در زندگی زنانشویی با هم سازگار شوند. لذا لازم است جوانان با فضاهاى اجتماعى دیگر از لحاظ متغیرهای جمعیت‌شناختی آشنا شوند، مثلاً در صورتی‌که یک جوان کلان‌شهری و یک روستایی قصد ازدواج با هم‌دیگر را دارند، باید آن‌ها را با ذائقه و منش شهری و روستایی آشنا کرد تا تصمیم عاقلانه بگیرند و جهان اجتماعى متفاوت آنان در سال‌های اول ازدواج به اختلاف و طلاق منجر نشود. نتایج این تحقیق مى‌تواند به محققان و پژوهش‌گران در رشته‌های مختلف مانند علوم اجتماعى و روان‌شناسی برای تحلیل بهتر پدیده طلاق یاری رساند. پیش‌نهاد مى‌شود مسئله طلاق با متغیرهای دیگر (اجتماعی، فرهنگی، و اقتصادی) در استان ایلام مورد آزمون قرار گیرد. و بالاخره پیش‌نهاد مى‌شود که آمار مربوط به متغیرهای جمعیت‌شناختی به‌صورت دقیق‌تر و کامل‌تر در سازمان‌های مربوط از جمله ثبت احوال موجود باشد و در این باره وجود یک سامانه آماری پیشرفته ضروری است.

### پی‌نوشت

۱. این پژوهش استخراج‌شده از طرح پژوهشی با عنوان بررسی وضعیت کمی، پراکنش و ابعاد دموگرافیک طلاق در استان ایلام است که با همکاری معاونت پژوهشی دانشگاه ایلام و استانداری ایلام در سال ۱۳۹۷ انجام شد. از مسئولان اداره کل ثبت احوال استان ایلام که برای انجام‌شدن این پژوهش با من همکاری داشتند تشکر و قدردانی می‌کنم.

## کتابنامه

- آنتونی، گیدنز (۱۳۹۳)، *تجدد و تشخیص*، ترجمه ناصر موفقیان، تهران، نی.
- اسحاقی، محمد و دیگران (۱۳۹۱)، «سنجش عوامل اجتماعی مؤثر بر درخواست طلاق زنان در شهر تهران»، *زن در توسعه و سیاست*، دوره ۱۰، ش ۳.
- بوالهری، جعفر و دیگران (۱۳۹۱)، «بررسی برخی علل منجر به طلاق در زوجین متقاضی طلاق در دادگاه‌های تهران»، *مجله تخصصی اپیدمیولوژی ایران*، دوره ۸، ش ۱.
- بوردیو، پی‌یر (۱۳۹۰)، *تمايز، ترجمه مرتضی مردیها*، تهران: نقش و نگار.
- بیگوند، داریوش و حامد بخشی (۱۳۸۴)، «نگرش جمعیت ۱۸ تا ۶۵ ساله ساکن شهر مشهد به طلاق و عوامل اجتماعی - فرهنگی مؤثر بر آن»، *مجله علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد*، ش ۵.
- پیری، صدیقه (۱۳۹۶)، *طلاق‌های زودهنگام و تلاش برای انفصال از گفتمان سنت*، طرح پژوهشی، استانداری ایلام.
- توسلی، غلامعباس (۱۳۸۱)، *نظریه‌های جامعه‌شناسی*، تهران: سمت.
- حیاتی، مژگان و شهلا سلیمانی (۱۳۹۷)، «پیامدهای طلاق برای فرد مطلقه: یک مطالعه کیفی»، *رویش روان‌شناسی*، س ۷، ش ۱۱.
- رحیمی، حسین (۱۳۸۰)، «بررسی عوامل طلاق در استان خراسان»، *فصل‌نامه جمعیت*، س ۸، ش ۳۳ و ۳۴.
- ریاحی، محمداسماعیل و دیگران (۱۳۸۶)، «تحلیل جامعه‌شناختی میزان گرایش به طلاق»، *فصل‌نامه پژوهش زنان*، ش ۱۹.
- ریتزر، جورج (۱۳۹۲)، *نظریه جامعه‌شناسی از دوران معاصر*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: علمی.
- ریتزر، جورج و داگلاس جی گودمن (۱۳۹۴)، *نظریه جامعه‌شناسی مدرن*، ترجمه خلیل میرزایی و عباس لطفی‌زاده، تهران: جامعه‌شناسان.
- زارعان، منصوره و سمانه‌سادات سدیدپور (۱۳۹۶)، «فراتحلیل تحقیقات مربوط به طلاق: رویارویی عوامل فردی و اجتماعی»، *فصل‌نامه بررسی مسائل اجتماعی ایران*، دوره ۷، ش ۲.
- زرگر، فاطمه و حمیدظاهر نشاط‌دوست (۱۳۸۶)، «بررسی عوامل مؤثر در بروز طلاق در شهرستان فلاورجان»، *فصل‌نامه خانواده‌پژوهی*، ش ۱۱.
- ساروخانی، باقر (۱۳۸۹)، *مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده*، تهران: سروش.
- سازمان ثبت احوال کشور (۱۳۸۹)، *تحلیل آماری جمعیت جوان و وقایع ازدواج و طلاق*، تهران: سازمان ثبت احوال کشور.
- سپیدنامه، بهروز و اسحاق فیضریان (۱۳۹۳)، «بررسی وضعیت ازدواج و طلاق در استان ایلام طی سال‌های ۱۳۸۵-۱۳۹۲»، *فصل‌نامه فرهنگ ایلام*، دوره ۱۵، ش ۴۴ و ۴۵.



واکاوی ویژگی‌های جمعیت‌شناختی طلاق ... (زهرا رضایی‌نسب و سردار فتوحی) ۱۶۳

شکوه نوابی‌نژاد و دیگران (۱۳۹۶)، «معنای طلاق از دیدگاه فرد مطلقه: یک مطالعه کیفی پدیدارشناسانه»، فصل‌نامه زن و جامعه، س ۸، ش ۳.

صادقی، رؤیا و دیگران (۱۳۹۰)، «وضعیت سلامت روان و عوامل مرتبط با آن در زنان مراجعه‌کننده به مراکز بهداشتی درمانی»، مجله سلامت و مراقبت، س ۱۳، ش ۴.

غیائی، پروین و دیگران (۱۳۸۹)، «بررسی علل اجتماعی گرایش به طلاق در بین زنان مراجعه‌کننده به دادگاه خانواده شیراز»، فصل‌نامه جامعه و زنان، س ۱، ش ۳.

فاتحی‌زاده، مریم و دیگران (۱۳۸۳)، «بررسی تأثیر عوامل خانوادگی در پایین‌بودن آمار طلاق در شهرهای یزد، اردکان و میبد»، مطالعات تربیتی و روان‌شناسی، س ۱، ش ۶.

فاریان، لیلا و دیگران (۱۳۸۸)، «مقایسه کیفیت زندگی (و ابعاد آن) در زنان مطلقه و غیرمطلقه و رابطه آن با ویژگی‌های جمعیت‌شناختی در شهر شیراز»، فصل‌نامه دانش و پژوهش در روان‌شناسی کاربردی، س ۱۱، ش ۴۱.

لوزیک، داتیلین (۱۳۸۳)، نگرشی نو در تحلیل مسائل اجتماعی، ترجمه سعید معیدفر، تهران، امیرکبیر. محبی، سیده‌فاطمه (۱۳۸۹)، بررسی علل و عوامل مؤثر بر درخواست طلاق، سازمان ملی جوانان.

مساواتی، مجید (۱۳۷۴)، آسیب‌شناسی اجتماعی ایران؛ جامعه‌شناسی انحرافات، تبریز: نوبل. مشکئی، مهدی و دیگران (۱۳۹۰)، «بررسی وضعیت و عوامل مرتبط با طلاق از دیدگاه زوجین مطلقه شهرستان گناباد در سال‌های ۱۳۸۸-۱۳۸۷»، افق دانش، ش ۱.

نعیمی، محمدرضا (۱۳۹۰)، «تأثیر تعامل خانواده در بروز پدیده طلاق: مطالعه موردی شهرستان گرگان، مجله تخصص جامعه‌شناسی، س ۱، ش ۱.

نوابی‌نژاد، شکوه و دیگران (۱۳۹۶)، «معنای طلاق از دیدگاه فرد مطلقه: یک مطالعه کیفی پدیدارشناسانه»، فصل‌نامه زن و جامعه، س ۸، ش ۳.

نیکبخت نصرآبادی، علیرضا (۱۳۹۵)، «تجربه زندگی زنان پس از طلاق: یک مطالعه کیفی»، نشریه روان‌پرستاری، دوره ۴، ش ۳.

هاشمی، مریم (۱۳۹۳)، سطح، روند و عوامل مؤثر بر طلاق در ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی.

هنریان، مسعوده و سیدجلال یونسی (۱۳۹۰)، «بررسی علت طلاق در دادگاه‌های خانواده تهران، فصل‌نامه مطالعات روان‌شناسی بالینی، س ۱، ش ۳.

Amato, P. R. (2015), "The Consequences of Divorce for Adults and Children: An Update", *Društvena istraživanja-Časopis za opća društvena pitanja*, vol. 1.

Butrica, B. A. and K. E. Smith (2012), "The Retirement Prospects of Divorced Women", *Social Security Bulletin*, vol. 72, no 1.

Krishnan, Vijaya (2000), "Premarital Cohabitation and Marital Disruption", *Journal of Divorce & Remarriage*, vol. 28.

Lehrer, E. L. (2014), "Age at Marriage and Marital Instability", <<http://www.demographicresearch.org>>.

Lyngstad, T. H. (2015), "The Impact of Parents' and Spouses' Education on Divorce Rates in Norway", *Demographic Research*, vol. 10, no. 5.

Martin, Steven P. and Sangeeta Parashar (2008), *An Education Crossover in Divorce Attitude*, Department of Sociology and Maryland Population Research Center, University of Maryland, Collage Park.

Salvini, S. and D. Vignoli (2015), *Things Change: Women's and Men's Marital Disruption Dynamics in Italy during a Time of Social Transformation (1920-70)*, *Demographic-Research*, vol. 24.

[www.mehrnavs.ir](http://www.mehrnavs.ir).

[www.sabteahval.ir](http://www.sabteahval.ir).